

گزارش جلسه کرسی ترویجی دکتر هادی نوری:

ششمین نشست از سلسله جلسات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره دانشگاه گیلان در سال ۱۴۰۱ با عنوان **دولت در تمدن عیلام: استبدادی یا طبقاتی؟** روز دوشنبه، ۱۲ آذرماه راس ساعت ۱۰ صبح در اتاق شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار شد و جناب **دکتر هادی نوری**، عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، به عنوان صاحب کرسی به ارایه مطالب خود پرداختند.

جناب دکتر نوری ضمن اشاره به آرای کارل مارکس و اساساً سنت مارکسیستی درباره ساخت دولت و رابطه آن با طبقات اجتماعی تاثیرپذیری ایران شناسان برجسته از چارچوب تئوریک مارکسیستی در تحلیل مناسبات دولت و جامعه را مورد توجه قرار دادند. در یک تقسیم‌بندی کلی دیدگاه‌های مارکس درباره دولت در چارچوب سه مدل طبقه‌بندی می‌گردد. سه مدلی که در آنها به ترتیب دولت فاقد قدرت است، قدرت نسبی دارد یا دارای قدرت مطلق است. در ادامه دکتر نوری به طرح نظریه شیوه تولید آسیایی پرداختند و خاطرنشان کردند که این نظریه به همان اندازه که نظریه‌ای در مورد شیوه‌ی تولید است، نظریه دولت نیز هست. موضوع اصلی مورد توجه مارکس در فرایند شیوه‌ی تولید آسیایی ظهور دولت و استثمار طبقاتی است که او این را کلید «استبداد شرقی» - در مصر، ایران، هندوستان، فلات آسیا، شمال آفریقا و بخشی از روسیه- می‌داند. دکتر نوری پس از ذکر ویژگی‌های جوامع مبتنی بر شیوه تولید آسیایی وارد بحث درباره تاریخ شکل‌گیری تمدن عیلامی شدند و عنوان داشتند که شواهد تاریخی مربوط به این تمدن عیلامی نشان می‌دهد که این تمدن بومی فلات ایران پیش‌آریایی فاقد ویژگی‌های اعلام شده نظریه دولت آسیایی مارکس است. دکتر نوری با اشاره به فدرالی بودن ساختار سیاسی، مادرتباری بودن حق جلوس بر تخت پادشاهی، وجود مثلث قدرت متشکل از شاه، ولیعهد که برادر شاه بود و حاکم پایتخت که فرزند شاه به شمار می‌رفت و برخی دیگر از موارد نشان از تکرر قدرتی دارد که نظریه استبداد شرقی نشأت گرفته از شیوه تولید آسیایی را نقض می‌کند و نشان از مناسبات اجتماعی پیچیده میان دولت و جامعه دارد.

پس از ارایه مطالب صاحب کرسی، ناقدان محترم، جناب دکتر حسن کهنسال عضو هیئت علمی گروه واجارگاه ایران‌شناسی و جناب دکتر مصطفی خزایی دکترای باستان‌شناسی و مدرس میهمان گروه ایران‌شناسی دانشگاه گیلان به ایراد نظرات خود پرداختند. از جمله دکتر خزایی ضمن اشاره به دشواری تحقیق و مطالعه درباره دوره عیلام و تحسین شجاعت صاحب کرسی از دست زدن به چنین مطالعه‌ای ابراز داشتند که در پژوهش تمدن عیلامی فرهنگ، حکومت و تمدنی یکپارچه و یکدست با هویتی واحد در نظر گرفته شده در حالی که در واقعیت شاید اینگونه نبوده و احساس هویتی واحد بین مردم از این حیث وجود نداشته است. نکته دیگر مطرح شده این بود که مادرتباری و وجود مثلث حکومت شاه، برادر و فرزند نشانه‌ای از استبدادی نبودن حکومت نیست. همین‌طور دکتر کهنسال به عنوان ناقد دوم در خصوص عدم استفاده از منابع دست اول اشاره نمودند و رجوع به این منابع را کم دانستند. نکته بعدی مطرح شده توسط ایشان استفاده از منابع داده‌های باستان‌شناسی است که اتفاقاً هرچه به روزتر و جدیدتر باشد بهتر است و اینکه می‌شد از آثار هنری نیز در تحلیل بهتر مساله استفاده نمود تا غنای تئوریک بیشتری حاصل شود. جدا از بحث منابع می‌توان به عدم تطبیق تمدن عیلامی با تمدن‌های بین‌النهرین و روابط تنگاتنگ میان این تمدن‌ها از جمله خط، تقویم و معماری است که اگر صورت می‌گرفت شاید نتیجه دیگری حاصل می‌آمد. در پایان و پس از استماع دفاعیات دکتر نوری جلسه با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد پایان یافت.